

طرح درس کارگاه نقاشی سطح یک دو

جلسه اول

۱ نقاشی با سیاه و سفید و خاکستریهای مابین (تضاد تاریک و روشن)

نور از اهمیت خاصی در زندگی ما برخوردار است چرا که بدون نور امر دیدن رخ نمی‌دهد. در محیط زندگی و طبیعت پیرامون ما، طیف گسترده‌ای از رنگها وجود دارند و دو قطب متضاد و یا بی‌نهایت در این طیف سیاه و سفید هستند. ما تصور ملموسی از سیاهی و سفیدی را در پدیده‌ای چون شب و روز می‌یابیم. اگر چه، دنیای اطراف خود را فقط سیاه و سفید و خاکستریهای مابین این دو قطب نمی‌بینیم، ولی مطالعه در این زمینه به ما کمک می‌کند تا جایگاه نور را در نقاشی بهتر دریابیم.

حجم‌نمایی^۱ و یا نمایش سه بعدی شکلها بر سطح بوم نقاشی، با تغییرات تدریجی نور با سیاه و سفید و درجات مختلف خاکستریهای گوناگون میسر است. زاویه تابش نور و میزان تیرگی و روشنیها در یک نقاشی جلوه‌های ویژه‌ای به آن اثر می‌دهد و اثرات متفاوتی در بیننده ایجاد می‌کند. کاربرد دقیق سایه و روشن، باعث تشخیص و عدم تشخیص شکلها می‌شود.

استفاده از اسلوب سایه و روشن کاری، بعد از رنسانس^۲ در آثار نقاشی دیده می‌شود. برای دوره‌های طولانی، نقاشان اروپایی برای نشان دادن نور و سایه در نقاشیهای خود، از روش تیره و روشن کردن رنگها استفاده می‌کردند. یعنی اکثر سایه‌ها قهوه‌ای مایل به سیاه و نورها مایل به سفید بودند. برای مثال، می‌توان به تصاویر (۱-۱) و (۱-۲) طبیعت بی‌جان اثر شاردن^۳ اشاره کرد.

۱- Modelling، برجسته‌نمایی، اصطلاحی در نقاشی است که به روش تجسم سه بعدی شکلها به روی سطح دو بعدی با استفاده از رنگ سایه‌های تیره و روشن گفته می‌شود.

۲- Renaissance (باززایی) عموماً به جنبش فکری و عقلانی‌ای گفته می‌شود که در سده ۱۴ از شهرهای شمال ایتالیا سرچشمه گرفت و در سده ۱۶ به اوج خود رسید.

۳- CHARDIN، نقاش فرانسوی از برجسته‌ترین استادان نقاشی از طبیعت بی‌جان، سده ۱۸ میلادی

جلسه دوم

کار در کارگاه: نقاشی از طبیعت بی جان با استفاده از سیاه و سفید (خاکستریهای مابین)
اهداف:

- ایجاد ترکیب بندی متعادل از اشکال و احجام ساده به کمک خطوط
- ایجاد تعادل در نقاشی به کمک سیاه و سفید
- ایجاد فضا در نقاشی با سیاه و سفید و خاکستریهای مابین

تهیه پیش طرح خطی (با رعایت اصول ترکیب بندی)

در مرحله نخست می توانید به کمک چند شی ساده مثل بطری، لیوان، کوزه و یک تکه پارچه و چند عدد میوه، یک طبیعت بی جان ساده بچینید.

در حد امکان، از اشکال و احجام پیچیده استفاده نکنید. برای به دست آوردن نتیجه بهتر، از تضاد رنگی در اشیای انتخاب شده کمک بگیرید، همین طور می توانید از یک نور مصنوعی برای تشدید تضاد تاریک و روشن استفاده کنید. هنگام تهیه پیش طرح خطی، به مشکلات ترکیب بندی که چیده اید پی خواهید برد. همانجا می توانید اشکالات را تصحیح کنید. اشیاء را عقب تر یا جلوتر ببرید و یا زاویه تابش نور را تغییر دهید.

تغییر زاویه تابش نور مصنوعی در یک طبیعت بی جان، سبب ایجاد حالات متفاوتی در کار خواهد شد. در تصاویر تغییر جهت زاویه تابش نور را بر یک طبیعت بی جان ملاحظه می کنید. در کار خود، با دور و نزدیک کردن منبع نوری خود به مدل می توانید در ایجاد سایه های دلخواه خود دخالت کنید.

جلسه سوم

نقاشی با سیاه و سفید و یک رنگ اصلی

تا اینجا، تضاد تاریک و روشن را با توجه به رنگهای سیاه و سفید و خاکستریهای مابین آنها، مورد آزمایش و بحث قرار دادیم. اکنون بسیار مهم و جالب است که همین تضاد تاریک و روشن را با رنگهای زرد، قرمز و آبی تجربه کنیم. در اینجا، می توانید یک رنگ اصلی را به دلخواه به پالت سیاه و سفید و خاکستریهای خود اضافه کنید. هنگامی که یک رنگ (به طور مثال، رنگ زرد و یا آبی) و تغییرات آن بر تمامی کار غلبه دارد، گفته می شود که اثر در تونالیت^۱ زرد و یا آبی کار شده است. تونالیت^۱ مشخص موجب وحدت رنگی در یک اثر نقاشی خواهد بود. با کاهش تعداد رنگهایی که در یک اثر به کار گرفته می شود می توان هماهنگی رنگی ساده تری به وجود آورد.

شما را در جهت شناخت هر چه بیشتر درجات مختلف تیره و روشن یک رنگ اصلی راهنمایی می کند.

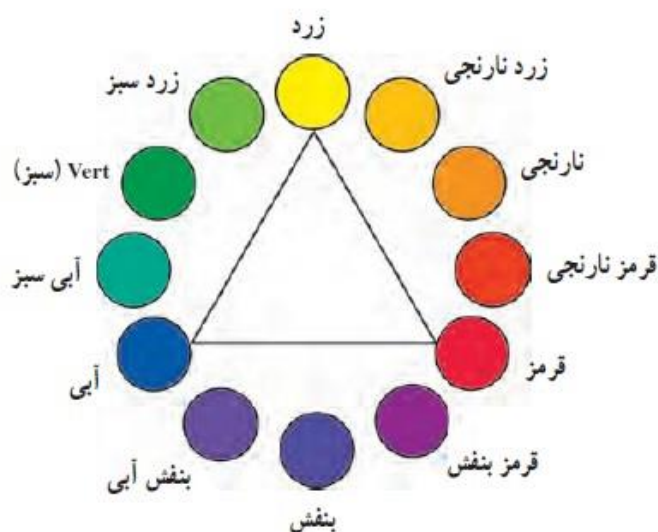
در تصویر شما تغییر درجات تیره و روشن یک رنگ اصلی با کمک سیاه و سفید را ملاحظه می کنید.

جلسه چهارم

نقاشی با رنگهای اصلی

در این مرحله، مطالعه چرخه رنگ که پایه آن سه رنگ اصلی زرد و قرمز و آبی است، برای هنرجویان ضروری جلوه می کند تصویر (۱۸-۱). رنگهای اصلی آبی، زرد، قرمز دارای تضاد شدیدی با هم هستند. هرگاه رنگهای اصلی به وسیله خطوط یا سطوح سیاه و سفید احاطه شوند در شدت آنها تغییر حاصل می شود. حضور رنگ سیاه در کنار رنگها باعث شدت بیشتر رنگ می شود و رنگ سفید از شدت آنها می کاهد. هرگاه در مجموعه ای از

رنگهای اصلی و ثانویه یکی از رنگهای اصلی را بیشتر به کار ببرید، آن رنگ جلوه درخشان تری می یابد. شما، تضاد ته رنگ یا رنگهای اصلی را در طبیعت به طور خالص، بندرت مشاهده می کنید. استفاده از رنگها به صورت خالص در کنار یکدیگر را در آثار برخی نقاشان معاصر می توانید ببینید. در تصویر (۱۹-۱)، نقاش با استفاده از رنگهای خالص در کنار سایر رنگها، درخشش رنگهای اثر خود را دو چندان کرده است.



جلسه پنجم

تمرین

اجرای کار با سطوح تفکیک شده آبی، زرد و قرمز

طرح خطی خود را با سه رنگ اصلی آبی، زرد و قرمز بپوشانید. در نقاشی خود، سعی کنید به تعادل رنگی در صفحه توجه داشته باشید. در اجرای این تمرین به وسعت سطوح رنگهای به کار گرفته شده برای ایجاد تعادل رنگی توجه کنید. به طور مثال، از رنگ زرد می‌توانید در قسمت جلوی تابلو استفاده کنید و رنگ آبی را در پلان عقب و با وسعت سطح بیشتر به کار ببرید. زیرا شدت رنگ زرد از آبی بیشتر است یعنی رنگ زرد در تابلو جلو می‌آید در صورتی که آبی خود را عقب‌تر می‌کشد و از ما دور می‌شود. از این خاصیت، می‌توانید برای ایجاد فضای دور و نزدیک استفاده کنید. به کارگیری رنگ زرد در وسعت کمتر و آبی با وسعت بیشتر، نور و سایه را نیز القا می‌کند. رنگ زرد و قرمز می‌تواند در مناطق روشن‌تر و آبی در مناطق تیره‌تر به کار گرفته شود.

جلسه ششم

نقاشی با رنگهای اصلی و ثانویه

اگر رنگهای اصلی زرد، قرمز و آبی را با نسبت مناسب دوبه دو با هم ترکیب کنید، رنگهای ثانویه حاصل می شود.

زرد + قرمز = نارنجی

زرد + آبی = سبز

قرمز + آبی = بنفش

دقت در ترکیب دو رنگ اصلی برای ایجاد رنگهای ثانویه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا رنگها نباید طوری ترکیب شوند که به یکی از دو رنگ اصلی متمایل باشند. مثلاً نارنجی نباید به قرمز و زرد متمایل شود به همین ترتیب رنگ سبز به یک اندازه باید به آبی و زرد متمایل باشد و بنفش هم دقیقاً میان قرمز و آبی قرار می گیرد.

پس از این، می توان با ترکیب دو به دو شش رنگ مجاور هم در دایره رنگ، رنگهای درجه سوم (ثالثه) را ایجاد کرد. این دسته رنگها نیز مانند رنگهای درجه دوم کاملاً در وسط دو رنگ که آن را تشکیل داده اند قرار می گیرد (تصویر ۲۲-۱).

نارنجی زرد = نارنجی + زرد = (قرمز + زرد) + زرد

قرمز نارنجی = نارنجی + قرمز = (زرد + قرمز) + قرمز

قرمز بنفش = بنفش + قرمز = (آبی + قرمز) + قرمز

بنفش آبی = بنفش + آبی = (قرمز + آبی) + آبی

سبز آبی = سبز + آبی = (زرد + آبی) + آبی

سبز زرد = سبز + زرد = (آبی + زرد) + زرد

جلسه هفتم

تمرین

اجرای کار با سطوح تفکیک شده به کمک رنگهای اصلی و ثانویه

در این تمرین، رنگهای اصلی و ثانویه خود را براساس چرخ رنگ به مقدار لازم در ظروف کوچک آماده سازید. زیرا شناختن رنگهای اصلی و ثانویه و ثالثه (دوازده رنگ چرخ رنگ) برای هنرجویان ضروری است. طرح خود را با دو رنگ اصلی و یک رنگ ثانویه مثل (قرمز، آبی و سبز) به کمک سطوح ساده شده، رنگ آمیزی کنید. در این تمرین، چگونگی به کارگیری رنگهای اصلی در کنار رنگهای ترکیبی را گام به گام پیش ببرید. بدین ترتیب، درک درست تری نسبت به چگونگی استفاده از رنگهای اصلی و ترکیبی در کنار یکدیگر را تجربه می کنید و در هر مرحله، نه تنها احساسهای مختلف رنگی را ملاحظه می کنید بلکه هماهنگیهای مختلف رنگی را که با مضامین و روحیه شما نزدیکی بیشتری دارد شناخته، بر آن تسلط می یابید. در این جا با به کارگیری وسعت سطوح رنگی متفاوت می توانید از تمرکز یک رنگ در قسمتی از کار جلوگیری کنید و به تعادل رنگی در کار دست یابید و احساسهای متفاوتی را در بیننده اثر خود ایجاد کنید. این تمرین را می توانید با دسته رنگهای اصلی و ثانویه دیگر و همین طور با رنگهای اصلی و ثانویه و ثالثه، در مراحل دیگر، هربار تجربه کنید

جلسه هشتم

نقاشی با رنگهای سرد و گرم

عکس العمل فیزیکی بدن نسبت به رنگها، جستجویی برای ایجاد تعادل و توازن است و این تعادل و توازن رابطه مستقیمی با احساس انسان دارد. از این رو، هر رنگی در بیننده خود اثر متفاوتی ایجاد می کند. بنابراین، بحث رسیدن به تعادل و هماهنگی در اینجا، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

این که با مشاهده رنگ بتوان درجه حرارت آن را تشخیص داد ناشی از یک حس غریزی در انسان است. برخی از رنگها در ما احساس سرما و برخی دیگر، حس گرما ایجاد می کنند. دسته رنگهایی چون زرد، نارنجی و قرمز و ترکیبات این گروه، از دسته رنگهای گرم اند و رنگهایی چون سبز، آبی و بنفش و ترکیبات آن، به گروه رنگهای سرد تعلق دارند. از رنگهای سرد و گرم، برای نمایش عمق در نقاشی می توان استفاده کرد. برای این منظور به نقاشی گلهای پروان اثر ساریان توجه کنید تصویر



۱. اثر مارتیرس ساریان، رنگ روغن روی بوم، (۲/۵ × ۱۰ × ۹۵ سانتی متر)

کار در کارگاه: نقاشی از طبیعت بی جان با رنگهای گرم و سرد اهداف:

- ایجاد ترکیب بندی متعادل از احجام و اشکال ساده به کمک خطوط و سطوح
- به کارگیری رنگهای گرم و سرد برای ایجاد فضای دور و نزدیک و به منظور ایجاد تعادل و هماهنگی رنگی
- ایجاد هماهنگی و تعادل با حاکمیت رنگهای گرم
- ایجاد هماهنگی و تعادل با حاکمیت رنگهای سرد

جلسه نهم

تمرین

اجرای کار با حاکمیت رنگهای گرم

طرح خود را به کمک رنگهای گرم دایره رنگ (سبز زرد - زرد - زرد نارنجی - نارنجی - قرمز نارنجی - قرمز - قرمز بنفش) که قبلاً تهیه کرده اید با سطوح تفکیک شده باز نمایی کنید. توجه داشته باشید که سبز زرد به سبب حاکمیت زرد در آن، متمایل به گرمی است. از طرف دیگر، قرمز بنفش نیز به خاطر حاکمیت رنگ قرمز، متمایل به گرمی می باشد. سبز، رنگ وسط است. با اضافه کردن آبی، متمایل به سردی و با اضافه کردن زرد، متمایل به رنگهای گرم خواهد شد.

جلسه دهم

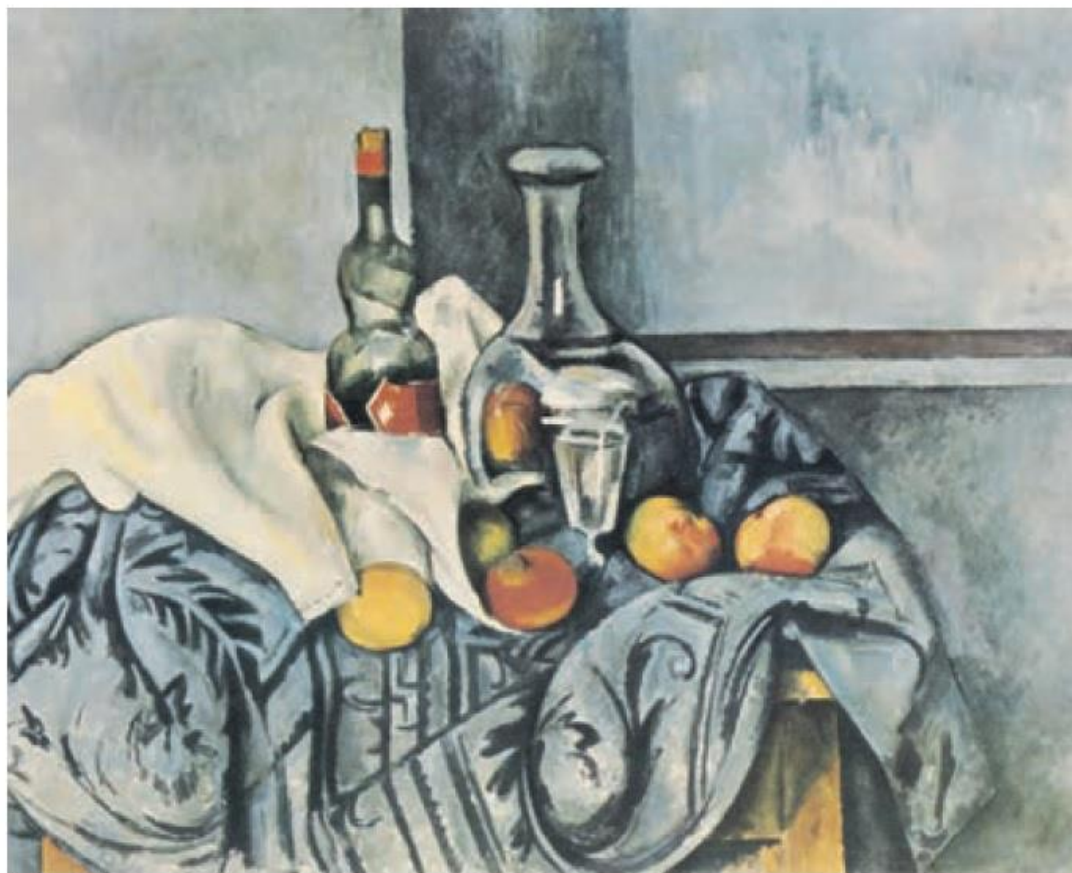
تمرین

— اجرای کار با حاکمیت رنگهای سرد

یکی دیگر از طرحهای خطی خود را در این تمرین به کمک رنگهای سرد دایره رنگ (آبی — بنفش —

۱— CEZANNE، نقاش پست امپرسیونیست فرانسوی، سده ۱۹ میلادی

بنفش آبی — آبی سبز — سبز) به گونه ای بازنمایی کنید تا هماهنگی در رنگهای سرد در کار ایجاد شود. در این تمرین، رنگهای سرد در ایجاد عمق فضایی در اثر، به شما یاری می دهند. رنگ سبز و آبی در میان ترکیبات دیگر، درخشانتر جلوه می کنند. آبی در عمق بخشیدن به رنگها و در ایجاد فضای دور، نقش مهمی دارد. با اضافه کردن آن به بنفش و سبز، آنها را تیره تر و همین طور متمایل به رنگهای سرد خواهد کرد



اثر پل سزان، رنگ روغن روی بوم، (۸۱×۶۵ سانتی متر)

جلسه یازدهم

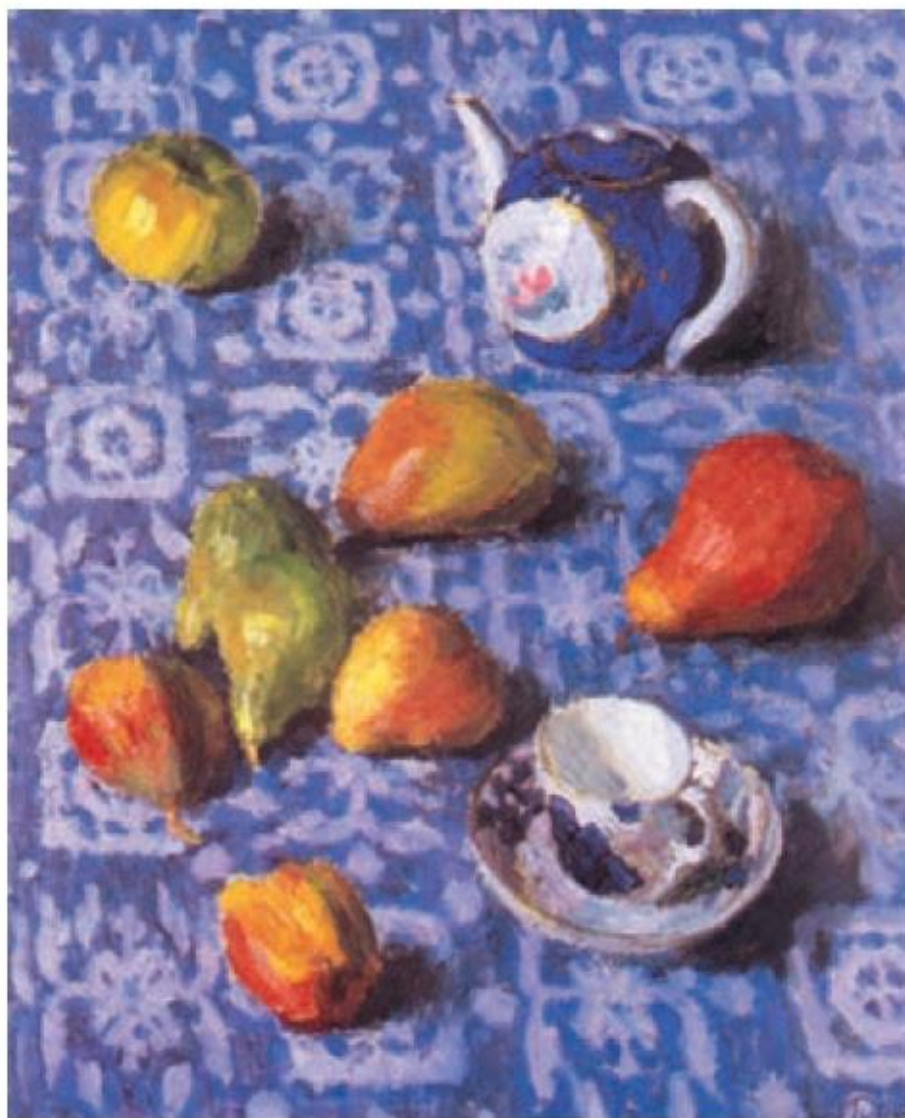
تمرین

— اجرای کار با رنگهای سرد و گرم

با استفاده از رنگهای گرم و سرد طرح خود را بازنمایی کنید. برای درک بهتر تمرین، به تصاویر (۱-۲۹) و (۱-۳۰) توجه کنید.

در نقاشی (۱-۲۹) اثر گِرابار^۱، وی به کمک قوری و فنجان و پارچه‌ای که در همگی آنها رنگ آبی و سفید را می‌بینیم، تضاد زیبایی با رنگهای قرمز-زرد-سبز زرد و نارنجیها به وجود آورده است. نقاش برای رسیدن به تعادل و هماهنگی در کار، از تضاد بین رنگهای سرد و گرم استفاده کرده، ولی رنگهای گرم را به گونه‌ای در کار پراکنده است که وسعت سطح آبی، باعث غلبه رنگ سرد نشود.

۱- GRABAR، نقاش امپرسیونیست روسی، سده ۱۹ و ۲۰



انور کھار، رنگ روغن روی بوم

جلسه دوازدهم

— نقاشی با رنگهای مکمل و خاکستریهای رنگی

یکی از راههای رسیدن به تعادل و هماهنگی در رنگ را می توان حضور رنگهای مکمل در یک اثر دانست زیرا وجود تضادهای رنگی مختلف و پی در پی، برای بیننده، رضایت بخش است و احساس رسیدن به تعادل را در وی ایجاد خواهد کرد.

رنگهای مکمل، زوج رنگهایی در دایره رنگ هستند که در اقطار دایره رنگ روبه روی یکدیگر قرار می گیرند و هرگاه به نسبت معین با یکدیگر مخلوط شوند یک خاکستری خنثی ایجاد می کنند. اگر ترکیب سه رنگ را تغییر دهید، شاهد به وجود آمدن خاکستریهای متنوعی هستید که آن رنگ به یک رنگ اصلی که دارای نسبت بیشتری در ترکیب است متمایل تر خواهد بود

جلسه سیزدهم

کار در کارگاه: نقاشی از طبیعت بی جان با استفاده از رنگهای مکمل و خاکستریهای مابین
اهداف:

- ایجاد ترکیب بندی متعادل از احجام و اشکال ساده، به کمک خطوط و سطوح
- به کارگیری رنگهای مکمل برای ایجاد تعادل در نقاشی
- به کارگیری رنگهای مکمل برای ایجاد فضای تیره و روشن و دور و نزدیک (عمق نمایی)
- درک ارزشهای رنگی خالص و ترکیبی و خاکستریهای فامدار در نقاشی
- به کارگیری رنگهای مکمل و خاکستریهای رنگی برای ایجاد تعادل رنگی
- توجه به کمیت (وسعت سطوح) رنگهای خالص و خاکستریهای رنگی
- نقاشی آزاد به کمک رنگهای مکمل و خاکستریهای رنگی حاصل از ترکیب دو رنگ

جلسه چهاردهم

تمرین

— اجرای کار با سطوح تفکیک شده به کمک زوج مکمل و خاکستریهای حاصل از ترکیب دو رنگ و سیاه و سفید

در تمرین پیش دیدیم که ترکیب دو رنگ مکمل، خاکستریهای رنگی متعددی به وجود می‌آورد. اینک، برای ایجاد تغییر در تیرگی و روشنی رنگهای خاکستری به دست آمده، می‌توان آنها را با سیاه و سفید ترکیب کرد. برای این منظور، ابتدا با سیاه و سفید چند خاکستری تهیه کنید. این خاکستریها می‌توانند خاکستریهای مابین سیاه و سفید و (خاکستری مایل به سیاه و خاکستری مایل به سفید) باشند. خاکستریهای مابین نارنجی — آبی، (خاکستریهای مایل به آبی و خاکستری مایل به نارنجی). حال خاکستریهای رنگی خود را درست کنید. در این مرحله هر یک از خاکستریهای رنگی در ترکیب با خاکستریهای سیاه و سفید جلوه متفاوتی می‌یابند و باعث تیره و روشن تر شدن آنها می‌شوند. در نتیجه، شما از امکانات بیشتری برای القای عمق و ایجاد نور و تاریکی و تعادل رنگی در نقاشی خود استفاده کنید

جلسه پانزدهم

تمرین

— اجرای کار با سطوح تفکیک شده به کمک تمام مکملها و خاکستریهای حاصل از ترکیب آنها و سیاه و سفید

تصویر (۳۹-۱) شما را برای اجرای این تمرین یاری می‌کند. نقاش این اثر، با ترکیب چند میوه و یک بشقاب و پارچه، طبیعت بی‌جان خود را چیده و نور را از سمت چپ بر آن تابانده است. او میوه‌های خود را با دقت خاص برگزیده است. این انتخاب به او کمک کرده تا از رنگهای مکمل به‌خوبی استفاده کند.

دقت کنید که نقاش در این اثر، برای نقاشی موز در بخش نور و روشنی از رنگهای زرد، نارنجی و سفید و برای تیرگی و سایه‌ها از رنگهای بنفش و آبی استفاده کرده است. برای سیبها در بخش نور و روشنی از قرمز، زرد و سفید و برای تیرگی و سایه‌ها از رنگهای سبز و آبی بهره برده است. بشقاب کاملاً به دو بخش مشخص تقسیم شده است که جهت تابش نور را هم نشان می‌دهد. نقاش، برای پس زمینه از ترکیب رنگهای سرد و روشن استفاده کرده و همین رنگ را در پیش زمینه با گرمی بیشتری به کار گرفته است.



اثر خوزه پارامون، رنگ روغن روی بوم